



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ

گرایش: انقلاب اسلامی ایران

عنوان:

جبهه ملی چهارم و انقلاب اسلامی ایران

استاد راهنما:

دکتر حجت فلاح توتکار

استاد مشاور:

دکتر محسن بهشتی سرشت

نگارش:

بهزاد حسینی

تابستان ۱۳۸۹

تقدیم ہے:

پدر و مادرم

آنان کہ تو انشان رفت تابه توانایی برسم و مویشان سفید شد تا رویم سپید بماند.

وہ:

برادران و تنہا خواہرم کہ ہموارہ یار و یاورم بودہ و ہستند.

از اساتید محترم و فرهیخته آقایان:

دکتر حجت فلاح توتکار و دکتر محسن بهشتی سرشت
که در مراحل مختلف کار، صمیمانه همراه اینجانب بودند تشکر و سپاس
بی نهایت دارم.

و نیز تمامی معلمانی که در امر تحصیل یاری رسانم بودند، مخصوصاً
سرکار خانم **الفتی** که اولین بار قلم را در دستم نهاد...

چکیده

در بحث از نیروهای که در پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم شاهنشاهی نقش داشتند معمولاً آنها را به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ نیروهای مذهبی، نیروهای ملی و نیروهای مارکسیستی. در میان گروههای ملی‌گرا، جبهه ملی چهارم که در سال ۱۳۵۶ و بدنبال به وجود آمدن فضای باز سیاسی و مهیا شدن شرایط برای ابراز وجود اپوزیسیون تشکیل شده بود، نقش چشمگیری ایفا کرد.

این سازمان که همانند دیگر جبهه‌های اول دوم و سوم حرکت خود را ادامه دهنده راه دکتر مصدق اعلام کرده بود، متشکل از احزابی بود که سابقاً در چهارچوب قانون اساسی برای آزادی و استقلال ایران مبارزه می‌کردند. احزابی که در قالب جبهه ملی چهارم در آبان ماه ۱۳۵۶ مجدداً به مبارزه روی آوردند حزب ایران، حزب ملت ایران، جامعه سوسیالیست‌ها و جامعه اصناف و بازار بودند. وظیفه و مسولیت جبهه ملی چهارم مطمئناً به خاطر وضعیت انقلابی آن روزها و وجود گسترش اعتراض‌ها و قیام‌ها علیه رژیم پهلوی به مراتب سنگین‌تر از گذشته بود. این سازمان که از زمان شکل‌گیری‌اش بر اساس مشی و مرام مبارزاتی خود می‌بایست حکومت را به رعایت قانون اساسی و برقراری آزادی و دموکراسی وادار کنند، در میانه راه خود تغییر مواضع داده و در ملاقاتی که رهبر آنها دکتر کریم سنجابی با آیت‌الله روح الله خمینی در آبان ماه ۱۳۵۷ در پاریس داشت، اعلام کرد که سازمان جبهه ملی دیگر نظام سلطنتی را مشروع نمی‌داند و تنها هدفش همانند سایر اقشار مردم و گروهها به رهبری آیت‌الله خمینی، نابودی رژیم سلطنتی است.

جبهه ملی چهارم که در ماههای منتهی به انقلاب جزو فعالترین گروهها در مبارزه علیه رژیم پهلوی بود، در تمامی تظاهرات، اعتصابات و حرکت‌های انقلابی مردم حضور داشت، با اعلام حمایت خود از آیت‌الله خمینی در پی آن بود تا ملت با رای خود حکومت جایگزین رژیم پهلوی را انتخاب کند. شورای انقلاب

و دولت موقت دو نهادی بودند که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شکل گرفتند. در شورای انقلاب که دو ماه قبل از پیروزی انقلاب بنا نهاده شد از اعضای جبهه ملی چهارم کسی حضور نداشت اما در دولت موقت مهندس مهدی بازرگان که قبل از تشکیل آن، جبهه ملی یکی از نامزدهای احتمالی عهده‌دار شدن آن به شمار می‌رفت چندین تن از افراد این سازمان در دولت موقت حضور داشتند که اغلب آنها تا قبل از سقوط دولت در آبان ماه ۱۳۵۸، از سمت خود کناره‌گیری کردند.

واژگان کلیدی: جبهه ملی چهارم - انقلاب اسلامی - شورای انقلاب - دولت موقت.

کلیات تحقیق

- ۱۰ فصل اول: فضای باز سیاسی، ظهور اپوزیسیون و شکل‌گیری جبهه ملی چهارم
- ۱۱ ۱-۱ علل و عوامل ایجاد فضای باز سیاسی
- ۱۵ ۲-۱ ظهور گروه‌های مخالف
- ۱۵ الف: کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
- ۱۷ ب: نهضت رادیکال ایران
- ۱۹ ج: کانون نویسندگان
- ۲۰ د: کانون وکلاء
- ۲۱ ه: نامه سرگشاده به شاهنشاه
- ۲۴ ۳-۱ شکل‌گیری جبهه ملی چهارم
- ۲۶ الف: احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی چهارم
- ۲۷ حزب ایران
- ۲۹ حزب ملت ایران
- ۳۱ جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران
- ۳۵ جامعه اصناف و بازار
- ۳۶ ب: ارتباط جبهه ملی چهارم با سایر گروه‌های مخالف
- ۴۰ فصل دوم: جبهه ملی چهارم از آموزگار تا بختیار
- ۴۱ ۱-۲ جبهه ملی در دوران آموزگار
- ۴۳ الف: برگزاری مراسم میلاد امام رضا (ع)
- ۴۴ ب: حادثه روز عید قربان
- ۴۵ ج: مقاله ۱۷ دی روزنامه اطلاعات و تظاهرات شهرها
- ۵۱ د: حادثه سینما رکس آبادان
- ۵۴ ۲-۲ جبهه ملی چهارم در دوران شریف امامی
- ۵۷ الف: جبهه ملی چهارم و برنامه‌های دولت شریف امامی
- ۶۰ ب: جبهه ملی چهارم و جمعه سیاه

۶۷	۳-۲ جبهه ملی چهارم در دوران نخست وزیری ازهارى
۷۰	الف: ملاقات كريم سنجابى با آيت الله خمينى و تغيير مواضع جبهه ملى
۷۷	ب: جبهه ملى چهارم و راهپيمايى هاى تاسوعا و عاشورا
۸۰	فصل سوم: جبهه ملى چهارم از تغيير مواضع تا پيروزى انقلاب اسلامى
۸۱	۱-۳ دعوت از سران جبهه ملى چهارم براى تشكيل دولت
۹۰	۲-۳ جبهه ملى چهارم در دوران نخست وزيرى بختيار
۹۰	الف: دولت بختيار
۹۷	ب: جبهه ملى چهارم و نخست وزيرى بختيار
۱۰۶	ج: واكنش ها در برابر نخست وزيرى بختيار
۱۱۲	فصل چهارم: جبهه ملى چهارم، شوراي انقلاب و دولت موقت
۱۱۳	۱-۴ تشكيل شوراي انقلاب
۱۱۸	۲-۴ جبهه ملى چهارم و شوراي انقلاب اسلامى
۱۲۵	۳-۴ تشكيل دولت موقت
۱۳۰	۴-۴ جبهه ملى چهارم و دولت موقت
۱۳۳	كريم سنجابى
۱۳۸	داريوش فروهر
۱۴۱	اسدالله مبشرى
۱۴۳	على اردلان
۱۴۴	پرويز ورجاوند
۱۴۶	فصل پنجم: زندگينامه اعضاى جبهه ملى چهارم
۱۴۷	كريم سنجابى
۱۵۰	داريوش فروهر
۱۵۲	شاپور بختيار
۱۵۴	كاظم حسيبى
۱۵۶	اسدالله مبشرى

۱۵۷	علی اردلان
۱۵۸	حسین شاه‌حسینی
۱۶۰	عبدالعلی ادیب برومند
۱۶۱	محمود مانیان
۱۶۳	ناصر تکمیل همایون
۱۶۴	خسرو سیف
۱۶۶	پروانه اسکندری
۱۶۸	نتیجه‌گیری
۱۷۱	منابع و مأخذ
۱۷۹	ضمائم

کلیات تحقیق

مقدمه

بیان مسئله و سازماندهی پژوهش

در سالهای پایانی دهه‌ی ۱۳۳۰ ش به دلیل بحران سیاسی-اقتصادی رژیم پهلوی دوم، چهره‌های ملی - مبارز بار دیگر به میدان مبارزه کشیده شدند. در چنین شرایطی اعضای سابق جبهه ملی در تیرماه ۱۳۳۹ اعلام موجودیت کرد اما هرگز نتوانست همانند جبهه ملی اول عمل کند و به دلایل زیادی از جمله اختلافات درونی منحل گشت. این اختلافات سبب شد تا دکتر مصدق احزاب و گروهها را برای شکل‌گیری جبهه ملی سوم تشویق کند. جبهه ملی سوم که متشکل از احزاب ملت ایران، مردم ایران و جامعه سوسیالیست‌ها بود به تجدید نظر در اساسنامه‌ی جبهه ملی دوم، که باعث اختلافات اعضا شده بود پرداخت.

بعد از ناکامی جبهه ملی سوم که درست پس از چند هفته از تشکیل آن رخ داد دیگر نامی از جبهه ملی در میان نیست، هرچند تعدادی از اعضای آن در تشکیلات خارج از کشور از جمله در کنفدراسیون دانشجویان و جبهه ملی ایران بخش خاورمیانه فعال بودند. فضای باز سیاسی‌ای که در سال ۱۳۵۶ به وجود آمده بود زمینه و شرایطی را فراهم کرد که منجر به ظهور گروههای اپوزیسیون در داخل کشور شد که یکی از گروههای اپوزیسیونی که در این فضا پا به عرصه مبارزاتی نهاد جبهه ملی چهارم بود. این سازمان از سه حزب ایران، ملت ایران و جامعه سوسیالیست‌ها تشکیل شده بود که اعضای آن سابقه همکاری و عضویت در جبهه‌های ملی گذشته را داشتند که از مهمترین این افراد کریم سنجابی، شاپور بختیار، داریوش فروهر، رضا شایان، اسدالله مبشری، ناصر تکمیل همایون و ... بودند.

جبهه ملی چهارم که در آبان ماه ۱۳۵۶ شکل گرفته بود پایبند به همان اصول و عقایدی بود که جبهه-های ملی اول تا سوم آنرا سرلوحه برنامه مبارزاتی خود قرار داده بودند. وضعیت انقلابی سال ۱۳۵۷ ش و گسترش برخورد بین نیروهای انقلابی و رژیم باعث شد تا جبهه ملی در اصول و عقایدش تجدید نظر کند. این تغییر موضع زمانی آشکار شد که کریم سنجابی رهبر جبهه ملی چهارم که قصد سفر به کانادا برای شرکت در یک کنفرانس را داشت، در پاریس با آیت الله خمینی ملاقات کرد و یک اعلامیه سه ماده‌ای را امضا کرد که طبق آن:

۱- سلطنت کنونی ایران با نقض مداوم قانون اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم

در برابر سیاست‌های بیگانه فاقد پایگاه قانونی و شرعی است.

۲- جنبش ملی و اسلامی ایران نمیتواند با وجود بقای نظام سلطنتی غیر قانونی با هیچ ترکیب

حکومتی موافقت نماید.

۳- نظام حکومت ملی ایران باید براساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال به وسیله مراجعه به آرای عمومی تعیین گردد.

جبهه ملی چهارم از آبان ۱۳۵۷ به بعد که به آیت الله خمینی نزدیک شد در قالب یک گروه اپوزیسیون خواهان جانشین کردن یک حکومت مردمی به جای نظام سلطنتی بودند که از این زمان تا پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرد که در این پایان‌نامه به مواضع و تحولات جبهه ملی در آن دوران پرداخته می‌شود.

این پایان‌نامه به پنج فصل تقسیم شده است که در فصل اول آن سعی شده تا علل و عوامل داخلی و خارجی فضای باز سیاسی اواخر سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، که باعث به وجود آمدن گروه‌های اپوزیسیون در داخل کشور شد بررسی شود. در ادامه همین فصل به چگونگی شکل‌گیری تشکلهای اپوزیسیون مانند نهضت رادیکال ایران، جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر و ... پرداخته شده که به طبع جبهه ملی چهارم یکی از این گروه‌ها می‌باشد. معرفی احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی چهارم و همچنین نحوه رابطه این سازمان با دیگر نیروهای مبارز، بخش پایانی این فصل را به خود اختصاص داده است.

در فصل دوم این پژوهش فعالیت‌های سازمان جبهه ملی چهارم از زمان شکل‌گیری آن، که مصادف با نخست وزیر آموگار بوده، تا روی کار آمدن شاپور بختیار مورد بررسی قرار گرفته است. از مهمترین حوادث این دوره که جبهه ملی در قابل آنها واکنش نشان داده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

برگزاری مراسم میلاد امام رضا (ع)، حادثه روز عید قربان، مقاله روزنامه اطلاعات ۱۷ دی ۱۳۵۶، حادثه سینما رکس آبادان، حوادث دوران دولت شریف امامی، جمعه سیاه، ملاقات کریم سنجابی رهبر جبهه ملی با آیت الله خمینی تغییر مواضع و راهپیمایی‌های تاسوعا و عاشورا.

عنوان فصل سوم « جبهه ملی چهارم از تغییر مواضع تا پیروزی انقلاب اسلامی » است. هرچند در فصل گذشته به بررسی برخی حوادث و رخداد‌های مهم دوره نخست وزیر از هاری پرداخته شد، اما در این دوره یکی از اتفاقات مهم، دعوت از چند تن از اعضای جبهه ملی برای تشکیل دولت بود که در این بخش از پژوهش حاضر، در باره‌ی آن سخن به میان آمده است. یک بخش دیگر این فصل مربوط به موضع جبهه ملی چهارم در قبال نخست وزیر شاپور بختیار، عضو هیات اجرایی این سازمان است. علاوه بر واکنش جبهه ملی چهارم، سایر سازمانها و همچنین اشخاص برجسته‌ی موافق و مخالف نسبت به عمل بختیار موضع‌گیری کرده‌اند که چگونگی این مواضع بیان شده است.

فصل چهارم بررسی نقش و حضور جبهه ملی چهارم در شورای انقلاب و دولت موقت است. در بخش مربوط به دولت موقت، نگارنده سعی کرده است فعالیتهای اعضای جبهه ملی در سمت وزارت در دولت موقت را به صورت گذرا توضیح دهد. فصل پنجم و پایانی این پژوهش به زندگی نامه اعضای برجسته این سازمان مختص شده است که در آن پیشینه مبارزاتی افراد جهت آگاهی خواننده آورده شده است.

در گردآوری داده‌های تاریخی مورد نیاز در این پژوهش، از سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و کتابخانه‌های دانشگاه تهران و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین استفاده شد است که جا دارد از همکاری صمیمانه‌ی کارکنان این نهادها تشکر و قدردانی نمایم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید گرانقدر گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین که حقیر در طول دو سال تحصیلی از خرمن علم و معرفت آن بزرگواران خوشه چین بوده، سپاسگذاری کرده و از خداوند منان برای همه آنها آرزوی سلامتی و موفقیت روزافزون مسئلت نمایم.

معرفی منابع

برای تدوین و تکمیل این پژوهش از چند دسته منبع استفاده شده است که در زیر به معرفی آنها پرداخته می‌شود.

اسناد جزو اصلی‌ترین منابعی هستند که مورد استفاده قرار گرفته است. اسناد به دو دسته‌ی منتشر شده و منتشر نشده تقسیم شده‌اند. اسناد منتشر شده‌ای که فعالیتهای جبهه ملی چهارم را انعکاس داده، می‌توان در کتابهای از قبیل انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، اسناد لانه جاسوسی و به طور اختصاصی‌تر در کتاب جبهه ملی به روایت اسناد ساواک مشاهده کرد. هرچند این کتابها منابعی مفید در این مسیر هستند، اما نمی‌توانند جوابگوی یک کار پژوهشی راجع به جبهه ملی چهارم باشند. این عدم کافی بودن اسناد منتشر شده باعث شده تا به اسناد منتشر نشده در باره‌ی این موضوع، که در آرشیو مرکز اسناد انقلاب وجود داشت رجوع شود

کتابها از دیگر منابع مفید در این تحقیق بوده است. بهترین کتابی که به مسئله جبهه ملی چهارم پرداخته البته آن هم نه بطور کامل، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از غلامرضا نجاتی است که

یکی از نقاط قوت آن ضمیمه کردن اسناد مربوط به جبهه ملی در بخش پایانی کتاب بوده است. در جلد دوم کتاب شصت سال خدمت و مقاومت که خاطرات مهندس بازرگان در گفتگو با سرهنگ نجاتی است، چگونگی رابطه‌ی جبهه ملی با دیگر گروهها از جمله تعاملات آنها با نهضت آزادی شرح داده شده و مواضع و ادعاهای رهبر جبهه ملی یعنی دکتر سنجابی نسبت به نهضت آزادی، توسط مهندس بازرگان و دکتر ابراهیم یزدی پاسخ داده شده است.

خاطرات بدون شک در هر پژوهشی جزو منابع معتبر و موثر می‌باشند که در این تحقیق نگارنده بر آن بوده تا جایی که امکان دارد خاطرات اعضای جبهه ملی و همچنین افرادی که در دیگر گروهها، اما با سازمان جبهه ملی در تعامل و ارتباط بوده‌اند را مورد بررسی قرار دهد. خاطرات سیاسی کریم سنجابی یکی از مهمترین منابعی بوده که بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. خاطرات اسدالله مبشری، خاطرات احمد زیرک زاده، خاطرات شاپور بختیار، خاطرات ابوالقاسم لباسچی، خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر، خاطرات مهدی بازرگان، خاطرات ابراهیم یزدی، خاطرات احمد صدر حاج سیدجوادی، خاطرات عزت‌الله سبحانی و ... از جمله منابعی بودند که مورد استفاده قرار گرفته و سعی شده تا صحبت‌ها و ادعاهای آنها به طور یکطرفه پذیرفته نشده و مورد نقد و تحلیل قرار گیرد.

نشریات هم دسته‌ای دیگر از منابع هستند که از آنها استفاده شده است. از خبرنامه جبهه ملی، نشریه درون سازمانی جبهه ملی در این سالها استفاده شد. مقالاتی از مجله‌های ایران فردا، چشم انداز ایران، سروش، آدینه، حضور، ماهان، نشر دانش، ایرانمهر و ... در این پژوهش آورده شده است. اما منبعی که اساس این تحقیق بر آن قرار گرفته و بیشترین استفاده از این منبع بوده، روزنامه‌ها می‌باشند. روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، بخصوص مربوط به سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸ کمک فراوانی به نگارنده در این مسیر کرده است. با توجه به اینکه روزنامه‌ها در همان زمان چاپ شده‌اند دارای اطلاعات با ارزشی از لحاظ تحقیقات تاریخی هستند. اما متأسفانه عدم چاپ دو روزنامه کیهان و اطلاعات از اواسط آبان تا اواسط دی ماه سال ۱۳۵۷ باعث شده تا از اطلاعات این برهه زمانی که حساسیت و اهمیت خاصی داشته است، محروم بمانیم. مطمئناً روزنامه‌های این دوره می‌توانستند کمک شایانی به ما، در هرچه بهتر شناختن اوضاع این ایام بنماید.

از آنجائیکه چندین تن از اعضای جبهه ملی چهارم در قید حیات هستند، این فرصت را غنیمت شمرده در چهارچوب تاریخ شفاهی از خاطرات، بحث‌ها و نظرات آنها در تکمیل این پژوهش استفاده شده است. حسین شاه حسینی، عبدالعلی ادیب برومند، خسرو سیف و ناصر تکمیل همایون چهار نفری هستند که در جلسات مختلف از اطلاعات و داده‌های آنها در تکمیل این کار استفاده شد. از آنجائیکه این افراد جزو شورای مرکزی جبهه ملی بوده و در بطن حوادث و جریانات این سازمان

حضور داشته‌اند، در مصاحبه با آنها اطلاعات تازه و جدیدی کسب شد که در تدوین پایان نامه از آنها استفاده شد.

سوالهای تحقیق:

سوال اصلی:

۱- دلیل تغییر موضع جبهه ملی در سال ۱۳۵۷ در نفی مشروطه سلطنتی چه بود؟

سوالات فرعی:

۲- آیا تغییر موضع جبهه ملی مورد قبول همه اعضای حزب بود؟

۳- جبهه ملی چهارم در فرآیند پیروزی انقلاب چه نقشی داشت؟

فرضیات تحقیق:

فرضیه اصلی:

۱- به نظر می‌رسد این تصمیم جبهه ملی به دلیل شرایط انقلابی‌ای بود که در آن زمان بر جامعه حاکم بوده و جبهه ملی به همراهی با مردم و رهبر انقلاب کشیده شد.

فرضیات فرعی:

۲- این تصمیم از سوی همه اعضای جبهه ملی مورد قبول قرار نگرفت و تعدادی از اعضای آن از جمله شاپور بختیار مخالف این تغییر موضع بودند.

۳- جبهه ملی چهارم به همراهی با مبارزان ضد رژیم، در شکل‌گیری شورای انقلاب و دولت موقت نقش داشت

روش تحقیق:

روش تحقیق در این موضوع عمدتاً توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و تاریخ شفاهی (مصاحبه) می‌باشد. تحقیق در این موضوع ابتدا با تنظیم طرح اولیه و سپس شناسایی منابع و مآخذ آغاز شد. پس از این مرحله نوبت به جمع‌آوری اطلاعات (فیش برداری) رسید. با اتمام این مرحله اطلاعات گردآوری شده گزینش و طبقه‌بندی شد و سپس نوبت به مرحله تدوین و تایپ رسید. نهایتاً با رفع اشکالات با توجه به تذکرات اساتید راهنما و مشاور برای دفاع آماده شد.

پیشینه تحقیق:

با توجه به بررسی‌هایی که در باره موضوع "جبهه ملی چهارم و انقلاب اسلامی" بعمل آمد مشخص گردید که هیچ کار مستقلی در این زمینه انجام نشده است. برخی از منابع، همچون قلم و سیاست اثر محمد علی سفری و یا تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از غلامرضا نجاتی از موضوع جبهه ملی چهارم سخن به میان آورده‌اند، اما این اطلاعات و داده‌ها برای سازمانی که نزدیک به دو سال قبل از انقلاب شکل گرفته و همراه با سایر گروه‌های مخالف علیه استبداد دستگاه شاهنشاهی مبارزه می‌کرده، نمی‌تواند تحقیقاتی کامل و جامع محسوب شوند.

در واقع بیشتر مورخینی که به قلم زدن درباره جبهه ملی پرداخته‌اند، بیشتر جبهه‌های اول، دوم و سوم را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و از توجه به سازمان جبهه ملی چهارم که در یکی از حساسترین برهه‌های زمانی تاریخ معاصر ایران ظهور کرده توجه نکرده و نسبت به آن غافل مانده‌اند. نگارنده مدعی نیست که پژوهشی کامل و بی‌نقص را در این زمینه انجام داده و یا این کار را به نحو احسن ارائه کرده است، بلکه فقط گامی در این مسیر برداشته که امیدوار است این حرکت فتح بابی باشد برای تحقیق در موضوعاتی از این دست که در تاریخ انقلاب اسلامی به دست فراموشی سپرده شده‌اند.

فصل اول:

فضای بازی‌سازی، ظهور پوزیسیون و شکل‌گیری

جبهه ملی چهارم

۲-۱- علل و عوامل ایجاد فضای باز سیاسی

رژیم پهلوی پس از سرکوبی قیام پانزده خرداد و دستگیری سران احزاب و بستن هرگونه فضا برای انتقاد و یا مخالفت، شرایطی همانند روزها، ماهها و سالهای پس از کودتای مرداد ماه سال ۱۳۳۲ در کشور ایجاد کرد به نحوی که دیگر هیچ حزب، گروه و یا انجمنی اجازه فعالیت سیاسی پیدا نکرد و تنها در یک دوره دهه ساله، یعنی از اواسط دهه ۴۰ تا اواسط دهه ۵۰ شاهد تحولاتی از سوی گروههایی مانند سازمان فداییان خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران هستیم که قائل به مشی مسلحانه بوده و بعضاً باعث بروز معضلاتی برای رژیم می شدند.

این شرایط تا سالهای میانه‌ی دهه ۱۳۵۰ ادامه داشت. اما در این زمان اوضاع بکلی عوض شده و سیاست های خشن رژیم نسبت به اپوزیسیون رو به تعدیل نهاد که خود این عامل معلول شرایط داخلی و خارجی کشور بود که چنین فضایی را اقتضا می کرد. برای پی بردن به علت خارجی شکل گیری چنین فضای که به نام " فضای باز سیاسی " معروف است، باید روش و شیوه برخورد سیاست خارجی آمریکا نسبت به کشورهای وابسته به خود، که ایران هم یکی از آنها بود را مورد بررسی قرار داد. ترس مفرط آمریکا از کمونیسم که بنا بر اعتقاد مقامات آمریکایی، ذهن ایالات متحده را آشفته کرده بود^۱ سبب شد تا آمریکا برای جلوگیری از افتادن تعدادی از کشورها به دامان کمونیسم که منافع این کشور در آنجا در خطر بود، دست به کار شده و به یکسری اصلاحات اقدام نماید.

طرح آمریکایی‌ها برای مقابله با این پدیده زمانی جامه عمل پوشید که جیمی کارتر نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری این کشور با شعار حقوق بشر روی کار آمد. هدف از اجرایی این طرح به وسیله‌ی آمریکا این بود تا چهره‌ی استبدادی متصور شده این کشور در اذهان

^۱ - روزنامه کیهان، شماره ۱۰۱۷، ۲ خرداد ۱۳۵۶، ص ۴